

ہزار و یک

حکایت اخلاقی

(۵۰ موضوع اخلاقی و ۱۰۰۱ حکایت)



یہ کتاب انگریزی میں لکھی گئی ہے اور اسے اردو میں تراجم کیا گیا ہے۔ اس میں ۱۰۰۱ حکایتیں جمع کی گئی ہیں جو اخلاقی موضوعات پر مشتمل ہیں۔ یہ کتاب بچوں اور نوجوانوں کے لیے بہترین ہے۔ اس میں مختلف اخلاقی باتوں کی مثالیں دی گئی ہیں جو ان کو سیکھنے اور اپنی زندگی میں لگانے میں مددگار بن سکتی ہیں۔

پہلی بار

۱۹۷۷ء میں شائع ہوئی تھی۔

پہلی بار

۱۹۷۷ء میں شائع ہوئی تھی۔

یہ کتاب انگریزی میں لکھی گئی ہے اور اسے اردو میں تراجم کیا گیا ہے۔ اس میں ۱۰۰۱ حکایتیں جمع کی گئی ہیں جو اخلاقی موضوعات پر مشتمل ہیں۔ یہ کتاب بچوں اور نوجوانوں کے لیے بہترین ہے۔ اس میں مختلف اخلاقی باتوں کی مثالیں دی گئی ہیں جو ان کو سیکھنے اور اپنی زندگی میں لگانے میں مددگار بن سکتی ہیں۔

۱۹۷۷ء میں شائع ہوئی تھی۔

محمد حسین محمدی



انتشارات نیلوفر

نام کتاب: هزار و یک حکایت اخلاقی
مؤلف: محمد حسین محمدی
ناشر: نیلوفرانه
چاپ: اول ۱۳۸۸
چاپخانه: بقیع
شمارگان: ۳۰۰۰
قیمت: ۸۵۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۷۶۰-۹۹-۷

مراکز پخش:

مراکز پخش: قم - خ انقلاب - چهار راه سجادیه، پلاک ۸۰۲

انتشارات نیلوفرانه

تلفن: ۷۷۵۲۱۹۶ همراه: ۰۹۱۲۱۵۳۷۶۹۱

جاده کرج - شهر قدس - انتهای خ امام سجادی، خ سلمان فارسی، پلاک ۳۸
کرج - بلوار امام زاده حسن - مقابل مصلاهی نماز جمعه - ابتدای خ کیان پور

جنب املاک گل یاس

۰۹۱۲۱۶۲۶۰۴۶ (نورداد)

بخش دوم

آفات زبان

- حکایت ۲۵ ریگ در دهان! ۴۸
 حکایت ۲۶ حدث زبانی! ۴۸
 حکایت ۲۷ شمشیر زبان! ۴۸
 حکایت ۲۸ هنر به چشم عداوت! ۴۹
 حکایت ۲۹ نقصان مایه و شماتت همسایه! ۴۹
 حکایت ۳۰ حرافی! ۴۹
 حکایت ۳۱ پیرایه‌ی خاموشی! ۵۰
 حکایت ۳۲ زبان سرخ و سر سبز! ۵۱
 حکایت ۳۳ غمخوار امت! ۵۲
 حکایت ۳۴ همه‌ی حرف‌ها حساب دارد ۵۲

بخش سوم

لقمه‌های شبه‌ناک

- حکایت ۳۵ سفره‌ی خلیفه! ۵۴
 حکایت ۳۶ طَبَق حرام! ۵۴
 حکایت ۳۷ اثر فوری غذای شبه‌ناک! ۵۵
 حکایت ۳۸ حلوای ارسالی معاویه! ۵۵
 حکایت ۳۹ غذای خلیفه! ۵۵
 حکایت ۴۰ دوری از شبهات ۵۶
 حکایت ۴۱ شبهه‌ی احتکار ۵۶
 حکایت ۴۲ غذای حرام ۵۶

بخش چهارم

عدالت و ستمگری

- حکایت ۴۳ نجاتم دهید! ۵۸
 حکایت ۴۴ نتیجه‌ی حکم به ناحق ۵۸
 حکایت ۴۵ قاضی القضاة و حضور در دادگاه ۵۹

سخن پیشین ۲۵

بخش اول

انسی با قرآن

- حکایت ۱ قرآن مجسم ۳۰
 حکایت ۲ فرمانده‌ی فداکار ۳۰
 حکایت ۳ عروس و تلاوتی لطیف! ۳۲
 حکایت ۴ ترنمی وصف ناپذیر ۳۳
 حکایت ۵ نود و نه میش! ۳۳
 حکایت ۶ راهنمای شایستگان ۳۴
 حکایت ۷ استخاره‌ی ناب! ۳۵
 حکایت ۸ جهیزیه‌ای بی نظیر! ۳۶
 حکایت ۹ اذان تا اذان! ۳۶
 حکایت ۱۰ سیه روی! ۳۷
 حکایت ۱۱ دنیا و آخرت ۳۷
 حکایت ۱۲ لا و لا بخور! ۳۷
 حکایت ۱۳ نفس مطمئنّه ۳۸
 حکایت ۱۴ تجسم آیات! ۳۸
 حکایت ۱۵ مطالعه‌ی قرآن! ۳۸
 حکایت ۱۶ حرف بقال‌ها ۳۹
 حکایت ۱۷ جزاخی معده بدون بی‌هوشی! ۴۱
 حکایت ۱۸ قرآن و بی‌طهارتی! ۴۱
 حکایت ۱۹ مکالمه‌ی قرآنی فِضَه ۴۱
 حکایت ۲۰ آتش در خرمن! ۴۳
 حکایت ۲۱ یاد او! ۴۳
 حکایت ۲۲ خواهی نشوی رسوا، عامل به سه آیت شو ۴۴
 حکایت ۲۳ مساجد، از آن خدا است! ۴۵
 حکایت ۲۴ معبودی لگدمال! ۴۵

حکایت ۴۶	افتخار بوسه..... ۵۹
حکایت ۴۷	دود دل مظلومان!..... ۶۰
حکایت ۴۸	عدالت و تعدّد زوجات..... ۶۰
حکایت ۴۹	غایتِ ظلم..... ۶۱
حکایت ۵۰	حق تقدّم..... ۶۱
حکایت ۵۱	نتیجه‌ی عدالت!..... ۶۱
حکایت ۵۲	سلطان دادگر..... ۶۲
حکایت ۵۳	علت ظلم..... ۶۳
حکایت ۵۴	خانه‌های ویران!..... ۶۳
حکایت ۵۵	عاقبت دادرسی نکردن به مظلومان..... ۶۴
حکایت ۵۶	جایگاه ظلم..... ۶۵
حکایت ۵۷	شقه‌ای از ظلم منصور..... ۶۵
حکایت ۵۸	تقسیم عادلانه!..... ۶۶
حکایت ۵۹	مزه‌ی ظلم!..... ۶۷
حکایت ۶۰	با عدالت بر دشمن پیروز شد..... ۶۷
حکایت ۶۱	طاقِ مدائن..... ۶۷
حکایت ۶۲	سلطان ملک‌شاه و پیرزن..... ۶۸
حکایت ۶۳	قوی‌ترین مشکل‌گشا!..... ۶۹
حکایت ۶۴	مرد با انصاف..... ۶۹
حکایت ۶۵	روشنگر راه..... ۷۰
حکایت ۶۶	تأثیر دادگری علی <small>علیه السلام</small> در قلب معاویه! .. ۷۱
حکایت ۶۷	دهقانان ستم‌دیده..... ۷۲
حکایت ۶۸	حکومت دین بر مردم یا خلافت علی <small>علیه السلام</small> ۷۲
حکایت ۶۹	مالک اشتر به علی <small>علیه السلام</small> چه گفت؟..... ۷۳
حکایت ۷۰	داستان حدیده‌ی مُحَمَّاه!..... ۷۳

بخش ششم

جوانمردی و ناجوانمردی

حکایت ۸۲	مدارا با اسیر!..... ۸۵
حکایت ۸۳	با پرستوها..... ۸۵
حکایت ۸۴	عادت مَلِک کرمان!..... ۸۶
حکایت ۸۵	مرور کریمانه..... ۸۶
حکایت ۸۶	خدایا! من او را بخشیدم..... ۸۶
حکایت ۸۷	فساد و صلاح!..... ۸۷
حکایت ۸۸	لگد به افتاده!..... ۸۷
حکایت ۸۹	ابتدا به سلام..... ۸۸
حکایت ۹۰	پارسا و دزد!..... ۸۸
حکایت ۹۱	صفای باطن علوی..... ۸۸
حکایت ۹۲	دزدی از باغ امام کاظم <small>علیه السلام</small> ۸۹
حکایت ۹۳	اخلاق در جنگ..... ۹۰
حکایت ۹۴	سکه‌های سیمین..... ۹۰
حکایت ۹۵	لا فتی الآ علی <small>علیه السلام</small> ۹۰
حکایت ۹۶	محافظان مردنما..... ۹۱
حکایت ۹۷	از دواج صوری..... ۹۱

بخش پنجم	
دنیا‌فروشی و دین‌فروشی	
حکایت ۷۱	دین فروشی، خریّت است!..... ۷۶

- حکایت ۹۸ حمایت از حیوانات ۹۲
 حکایت ۹۹ بی‌ابی ۹۲
 حکایت ۱۰۰ امام صادق علیه السلام و عبدالله محض ۹۴

- حکایت ۱۰۱ کنیز زیبا ۹۵
 حکایت ۱۰۲ صید آهو ۹۶
 حکایت ۱۰۳ همکاری با کارگران ۹۶

- حکایت ۱۰۴ کنیز هراسان ۹۶
 حکایت ۱۰۵ بدهکاری مجازی و بزرگواری حقیقی! ۹۷
 حکایت ۱۰۶ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و کودک بیمار ۹۸

- حکایت ۱۰۷ خیار تلخ ۹۸
 حکایت ۱۰۸ مسیحی گستاخ ۹۸

بخش هفتم

راز داری و سخن چینی

- حکایت ۱۰۹ چند تار مو! ۱۰۱
 حکایت ۱۱۰ راز سر به مهر! ۱۰۱
 حکایت ۱۱۱ هزار تازیانه‌ی مرگبار! ۱۰۱

- حکایت ۱۱۲ سخن چین خون‌آلود! ۱۰۲
 حکایت ۱۱۳ مانع نزول باران! ۱۰۲
 حکایت ۱۱۴ نتیجه‌ی فاش کردن راز! ۱۰۳

- حکایت ۱۱۵ مزد سخن چین! ۱۰۳

بخش هشتم

ذکر خیر و غیبت

- حکایت ۱۱۶ افتادن در پوستین خلق! ۱۰۵
 حکایت ۱۱۷ جلوگیری از غیبت ۱۰۵
 حکایت ۱۱۸ عیب و غیبت! ۱۰۵

- حکایت ۱۱۹ هدیه در برابر غیبت! ۱۰۶
 حکایت ۱۲۰ گوشت برادر ۱۰۶

- حکایت ۱۲۱ هدیه‌ی ویژه ۱۰۶
 حکایت ۱۲۲ خورش سگ‌های جهنم ۱۰۷

بخش نهم

با ادبی و بی ادبی

- حکایت ۱۲۳ ادب از که آموختی؟! ۱۰۹
 حکایت ۱۲۴ جواب بی ادبی معاویه ۱۰۹
 حکایت ۱۲۵ ادب تلاوت ۱۰۹

- حکایت ۱۲۶ ابراهیم آدهم و توانگر بی ادب! ۱۱۰
 حکایت ۱۲۷ اعتراض بی جا! ۱۱۰
 حکایت ۱۲۸ پسر بی ادب ۱۱۱

- حکایت ۱۲۹ من قرآن را تبرک کنم؟! ۱۱۱
 حکایت ۱۳۰ تعبیر مؤدبانه ۱۱۲
 حکایت ۱۳۱ آداب مجالس ۱۱۲

- حکایت ۱۳۲ بساط پادشاهان! ۱۱۳

بخش دهم

حماقت

- حکایت ۱۳۳ نشانه‌ی حماقت! ۱۱۵
 حکایت ۱۳۴ قرائت قرآن با صدای خروس! ۱۱۵
 حکایت ۱۳۵ پا به هوا! ۱۱۶

- حکایت ۱۳۶ پشم‌کاری! ۱۱۶
 حکایت ۱۳۷ نقشه‌ای برای شیطان! ۱۱۷
 حکایت ۱۳۸ قاطی پاتی! ۱۱۷

- حکایت ۱۳۹ گله‌های گرگ و گوسفند! ۱۱۷
 حکایت ۱۴۰ دار و ندار! ۱۱۸
 حکایت ۱۴۱ حفظ جا! ۱۱۸

- حکایت ۱۴۲ نیم قرن طهارت! ۱۱۸
 حکایت ۱۴۳ انگشتر احمق! ۱۱۸

بخش سیزدهم

خیرخواهی و حسد

- حکایت ۱۶۸ اولین خون! ۱۳۹
 حکایت ۱۶۹ بوی دهان خلیفه! ۱۳۹
 حکایت ۱۷۰ بمیر تا برهی! ۱۴۰
 حکایت ۱۷۱ حسادت بر امام هدایت ۱۴۱
 حکایت ۱۷۲ عبد الله بن اَبی ۱۴۲
 حکایت ۱۷۳ نتیجه‌ی حسادت ۱۴۳
 حکایت ۱۷۴ قدرت حسدا! ۱۴۳
 حکایت ۱۷۵ حضرت عیسی علیه السلام و مرد حسود ۱۴۴
 حکایت ۱۷۶ حسدهای زنانه ۱۴۵

بخش چهاردهم

فروتنی و تکبر

- حکایت ۱۷۷ ورود ممنوع! ۱۴۷
 حکایت ۱۷۸ آخر تواضع! ۱۴۷
 حکایت ۱۷۹ هرگز «من» نگفت! ۱۴۷
 حکایت ۱۸۰ کبر و خودخواهی تا کجا! ۱۴۸
 حکایت ۱۸۱ جذامی‌ها ۱۴۸
 حکایت ۱۸۲ رئیس آفتابه‌ها! ۱۴۹
 حکایت ۱۸۳ شتری که مغرور شد! ۱۴۹
 حکایت ۱۸۴ ولید بن مغیره ۱۵۰
 حکایت ۱۸۵ پایین آمدن از منبر ۱۵۰
 حکایت ۱۸۶ امام کاظم علیه السلام و مرد سیاه پوست ۱۵۰
 حکایت ۱۸۷ عکس‌العمل در مقابل تمجید ۱۵۱
 حکایت ۱۸۸ معامله‌ی پیامبر با کودکان! ۱۵۱
 حکایت ۱۸۹ رها کردن نماز جماعت ۱۵۲
 حکایت ۱۹۰ ای کاش مسئله‌گو می‌شدی ۱۵۲
 حکایت ۱۹۱ فروتنی سلمان فارسی ۱۵۲
 حکایت ۱۹۲ خاطره‌ی شیخ ۱۵۳

- حکایت ۱۴۴ ابو عبد الرحمن الرّحیم! ۱۱۹
 حکایت ۱۴۵ حماقت خلیفه! ۱۱۹
 حکایت ۱۴۶ لولو خور خوره! ۱۱۹
 حکایت ۱۴۷ لذت یافتن! ۱۲۰
 حکایت ۱۴۸ مکتبدار بی کلاس! ۱۲۰
 حکایت ۱۴۹ حرف شین! ۱۲۰
 حکایت ۱۵۰ مگس و عرصه‌ی سیمرغ! ۱۲۱

بخش پانزدهم

صله‌ی رحم و قطع رحم

- حکایت ۱۵۱ عمر کوتاه! ۱۲۳
 حکایت ۱۵۲ انتظار داری کازت هم بیج نخورد؟! ۱۲۳
 حکایت ۱۵۳ بیچاره مادر ۱۲۴
 حکایت ۱۵۴ قطع رحم و مرگ ۱۲۴
 حکایت ۱۵۵ صله‌ی رحم امام علیه السلام ۱۲۵
 حکایت ۱۵۶ دیانت و تقوای «خویش» ۱۲۶
 حکایت ۱۵۷ علی بن اسماعیل ۱۲۶

بخش دوازدهم

حیله‌گری

- حکایت ۱۵۸ روباه مکار! ۱۲۹
 حکایت ۱۵۹ کشک بادنجان! ۱۲۹
 حکایت ۱۶۰ ترفند گدایان! ۱۳۰
 حکایت ۱۶۱ آب به آسیاب دشمن ۱۳۱
 حکایت ۱۶۲ مکر عمرو عاص در جنگ صفین! ۱۳۲
 حکایت ۱۶۳ سگ عیان و مرغ نهان! ۱۳۳
 حکایت ۱۶۴ کشف شرمگاه! ۱۳۳
 حکایت ۱۶۵ مکر زرقاء ۱۳۵
 حکایت ۱۶۶ گوشه‌ای از حیله‌گری‌های عمرو عاص! ۱۳۶
 حکایت ۱۶۷ کتاب «حیل النساء»! ۱۳۶

۱۷۲	حکایت ۲۲۰ جلف الفضول.....	۱۵۳	حکایت ۱۹۳ بلال حبشی.....
۱۷۲	حکایت ۲۲۱ آنس بن نضر.....	۱۵۴	حکایت ۱۹۴ تواضع رسول خدا ﷺ.....
۱۷۳	حکایت ۲۲۲ برده‌ی مسلمان.....	۱۵۴	حکایت ۱۹۵ محمد بن مسلم.....
۱۷۳	حکایت ۲۲۳ شاپور و دختر خیانتکار!.....	۱۵۴	حکایت ۱۹۶ عیسی <small>علیه السلام</small> و شستن پای حواریون.....
۱۷۴	حکایت ۲۲۴ وفاداری عرب بادیه نشین... ..	۱۵۴	حکایت ۱۹۷ ثروتمند و فقیر!.....
۱۷۶	حکایت ۲۲۵ ثابت و حجاج!.....	۱۵۵	حکایت ۱۹۸ سلیمان بن عبد الملک.....
۱۷۷	حکایت ۲۲۶ عاقبت جوانمردی.....	۱۵۵	حکایت ۱۹۹ خسرو پرویز.....
۱۷۹	حکایت ۲۲۷ پیمان اسماء بنت عمیس.....	۱۵۶	حکایت ۲۰۰ واعظ متکبر.....
۱۷۹	حکایت ۲۲۸ شرط زنده ماندن.....	۱۵۶	حکایت ۲۰۱ تواضع مقدس اردبیلی.....
۱۸۰	حکایت ۲۲۹ عاقبت ناسپاسی.....	۱۵۷	حکایت ۲۰۲ پدر سوخته! تو هم «إنا أنزلنا»؟!.....
۱۸۰	حکایت ۲۳۰ پیمان یا خدا.....	۱۵۷	حکایت ۲۰۳ تواضع عمار دهنی.....
۱۸۱	حکایت ۲۳۱ وفای به عهد شرط بقای نعمت.....	۱۵۸	حکایت ۲۰۴ متکبر تر از خدا!.....
۱۸۱	حکایت ۲۳۲ وفای به نذر.....	۱۵۸	حکایت ۲۰۵ تواضع از شرایط بعثت انبیا... ..
۱۸۲	حکایت ۲۳۳ غلام وفادار.....	۱۵۹	حکایت ۲۰۶ لباس علی <small>علیه السلام</small>
۱۸۴	حکایت ۲۳۴ وزیر ی در پوست گاو.....	۱۵۹	حکایت ۲۰۷ تجدید تواضع.....
۱۸۵	حکایت ۲۳۵ دستور جنگیز خان مغول.....	۱۶۰	حکایت ۲۰۸ از شیطان بشنوید.....
۱۸۶	حکایت ۲۳۶ حقوق مالی همسایه.....	۱۶۱	حکایت ۲۰۹ سگ و غذای سلطان.....
۱۸۷	حکایت ۲۳۷ آزار همسایه.....	۱۶۱	حکایت ۲۱۰ نقش مگس.....
۱۸۷	حکایت ۲۳۸ این طور دل به دست آورید.. ..	۱۶۲	حکایت ۲۱۱ تنگدستی یا ثروت.....
۱۸۸	حکایت ۲۳۹ پا بر صورت وزیر!.....	۱۶۳	حکایت ۲۱۲ نتیجه‌ی یک غرور.....
		۱۶۳	حکایت ۲۱۳ سلطان محمود و ایاز.....
		۱۶۴	حکایت ۲۱۴ خیالات برنطی!.....

بخش شانزدهم

عیب پوشی و عیب جویی

۱۹۱	حکایت ۲۴۰ آیت قرآن و رحمت سلطان!.. ..
۱۹۱	حکایت ۲۴۱ کشف العیوب!.....
۱۹۱	حکایت ۲۴۲ شکر نعمت.....
۱۹۲	حکایت ۲۴۳ عیب پوشی جوانمردانه.....
۱۹۲	حکایت ۲۴۴ اعمال معیوب.....

بخش پانزدهم

وفای به عهد و پیمان شکنی

۱۶۷	حکایت ۲۱۵ نیک نامی و دولتمندی.....
۱۶۷	حکایت ۲۱۶ سه دوست هم پیمان.....
۱۶۷	حکایت ۲۱۷ عاقبت پیمان شکنی.....
۱۶۸	حکایت ۲۱۸ پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> و ابو هیثم.....
۱۶۸	حکایت ۲۱۹ وفا!.....

بخش هفدهم

اخلاص و ریا

- حکایت ۲۴۵ در اخلاص ۱۹۵
- حکایت ۲۴۶ برای خدا! ۱۹۵
- حکایت ۲۴۷ قطع ریشه‌ی ریا!! ۱۹۶
- حکایت ۲۴۸ دعای مخلص ۱۹۶
- حکایت ۲۴۹ اخلاص آیت الله بروجردی! .. ۱۹۷
- حکایت ۲۵۰ کیمیای اخلاص! ۱۹۷
- حکایت ۲۵۱ تلینس ابلیس! ۲۰۳
- حکایت ۲۵۲ درخواست حضرت موسی علیه السلام ۲۰۳
- حکایت ۲۵۳ بوریای رنگارنگ ۲۰۴
- حکایت ۲۵۴ از علی آموز اخلاص عمل ... ۲۰۴
- حکایت ۲۵۵ کوشش سمعان ۲۰۵
- حکایت ۲۵۶ ملا عبد الله شوشتری ۲۰۵
- حکایت ۲۵۷ زرانود ۲۰۶
- حکایت ۲۵۸ دو لباس ۲۰۶
- حکایت ۲۵۹ اخلاص در تألیف ۲۰۷
- حکایت ۲۶۰ اخلاص در موقعیت حساس .. ۲۰۷
- حکایت ۲۶۱ درخت ریا ۲۰۸
- حکایت ۲۶۲ پاداش به قدر خلوص ۲۰۹
- حکایت ۲۶۳ نافه‌ی اخلاص ۲۰۹
- حکایت ۲۶۴ خانه‌ی بهشتی ۲۱۰
- حکایت ۲۶۵ یک عمل خالص و هزاران عمل مخلوط ۲۱۰
- حکایت ۲۶۶ دوبین! ۲۱۱
- حکایت ۲۶۷ عبادت برای حیوان ۲۱۲
- حکایت ۲۶۸ اجرتت را بگیر ۲۱۲
- حکایت ۲۶۹ رگ‌های بدن ۲۱۲
- حکایت ۲۷۰ شرک پنهان ۲۱۳

بخش هجدهم

گذشت و انتقام

- حکایت ۲۷۱ گذشت پیامبر ۹ از دشمن سرسخت ... ۲۱۵
- حکایت ۲۷۲ آزادی کنیز ۲۱۵
- حکایت ۲۷۳ بازاری و عابر ۲۱۵
- حکایت ۲۷۴ زدن غلام ۲۱۶
- حکایت ۲۷۵ تفاوت بین بنی هاشم و بنی امیه ۲۱۶
- حکایت ۲۷۶ پیر طریقت و معنی آیت ۲۱۷
- حکایت ۲۷۷ عفو قاتل ۲۱۷
- حکایت ۲۷۸ آزادی خادم ۲۱۸
- حکایت ۲۷۹ پناهنده ۲۱۸
- حکایت ۲۸۰ فتح مکه ۲۱۹
- حکایت ۲۸۱ علت عفو پادشاهان ۲۱۹
- حکایت ۲۸۲ امیر اسماعیل سامانی و گذشت او ۲۲۰
- حکایت ۲۸۳ سبب بخشایش خداوند ۲۲۰
- حکایت ۲۸۴ مسخره‌ی دربار فرعون ۲۲۱
- حکایت ۲۸۵ آتش چه کسی را می‌سوزاند؟ ۲۲۱
- حکایت ۲۸۶ امام سجاده علیه السلام و آزادی بردگان ۲۲۲
- حکایت ۲۸۷ گذشت کنید ۲۲۲
- حکایت ۲۸۸ همسایگی مردگان ۲۲۳

بخش نوزدهم

حیا و بی‌شرمی

- حکایت ۲۸۹ موسی علیه السلام و دختران شعیب .. ۲۲۵
- حکایت ۲۹۰ حیای چشم ۲۲۵
- حکایت ۲۹۱ زلیخا ۲۲۶
- حکایت ۲۹۲ پیامبر صلی الله علیه و آله و بنی قریظه ۲۲۶
- حکایت ۲۹۳ حیای امیر مؤمنان علیه السلام ۲۲۶
- حکایت ۲۹۴ چه خواست چه شد! ۲۲۷

بخش بیستم

قناعت و آزمندی

- ۲۴۴ حکایت ۳۱۹ بشارتی برای صابران
- ۲۴۴ حکایت ۳۲۰ بانوی مطیع
- ۲۴۵ حکایت ۳۲۱ لاف سرینجگی!
- ۲۴۵ حکایت ۳۲۲ ثمره‌ی صبر و زیان عجله!
- ۲۴۷ حکایت ۳۲۳ چشمه و کوهسار
- ۲۴۷ حکایت ۳۲۴ استقامت بلال
- ۲۴۸ حکایت ۳۲۵ درس مادر داغدار!
- ۲۴۸ حکایت ۳۲۶ حیات دین
- ۲۴۹ حکایت ۳۲۷ لجام گسیخته!
- ۲۴۹ حکایت ۳۲۸ رخسار سرخ
- ۲۴۹ حکایت ۳۲۹ گشایش بعد از صبر
- ۲۵۰ حکایت ۳۳۰ صبر بر بیماری
- ۲۵۰ حکایت ۳۳۱ قتل در عروسی
- ۲۵۱ حکایت ۳۳۲ مأموریت آمیخته با حلم
- ۲۵۳ حکایت ۳۳۳ اذیت کبوترباز
- ۲۵۳ حکایت ۳۳۴ مدارا با اعمال فرماندار
- ۲۵۴ حکایت ۳۳۵ قیس منقری
- ۲۵۴ حکایت ۳۳۶ امام حسن علیه السلام و مرد شامی
- ۲۵۵ حکایت ۳۳۷ شیخ جعفر کاشف الغطاء
- ۲۵۵ حکایت ۳۳۸ شرط جانشینی پیامبر
- ۲۵۶ حکایت ۳۳۹ خشم علی علیه السلام برای خدا
- ۲۵۷ حکایت ۳۴۰ روح بلند!
- ۲۵۷ حکایت ۳۴۱ رمز موفقیت
- ۲۵۸ حکایت ۳۴۲ شیربی‌یال و کویال!
- ۲۵۹ حکایت ۳۴۳ صبر اُمّ عقیل!
- ۲۶۰ حکایت ۳۴۴ نامه‌ای از حضرت صادق علیه السلام
- ۲۶۱ حکایت ۳۴۵ مقایسه‌ی دوزن شکیبا
- ۲۶۲ حکایت ۳۴۶ استوار بودن در راه دین
- ۲۶۳ حکایت ۳۴۷ در راه تعلیم قرآن!
- ۲۲۹ حکایت ۲۹۵ گربه‌ی طمعکار!
- ۲۲۹ حکایت ۲۹۶ چشم تنگ دنیا دوست!
- ۲۲۹ حکایت ۲۹۷ گروهی آفتابه!
- ۲۳۰ حکایت ۲۹۸ نجس‌تر از نجاست!
- ۲۳۰ حکایت ۲۹۹ مرگ با دانه‌ی انار
- ۲۳۱ حکایت ۳۰۰ قناعت مور و حرص زنبور!
- ۲۳۱ حکایت ۳۰۱ ذلیل شدن نفس
- ۲۳۲ حکایت ۳۰۲ ذوالقرنین
- ۲۳۳ حکایت ۳۰۳ اشعب بن جبیر مدنی
- ۲۳۳ حکایت ۳۰۴ غذای خود یا سلطان
- ۲۳۴ حکایت ۳۰۵ سیره‌ی قانعان
- ۲۳۴ حکایت ۳۰۶ بهلول و دزد حریص!
- ۲۳۵ حکایت ۳۰۷ سیره‌ی امام صادق علیه السلام
- ۲۳۵ حکایت ۳۰۸ خدا با هزاران وسیله روزی می‌رساند
- ۲۳۶ حکایت ۳۰۹ جدیت حریص
- ۲۳۶ حکایت ۳۱۰ حضرت عیسی علیه السلام و مرد حریص
- ۲۳۷ حکایت ۳۱۱ حرص در افزایش مال!
- ۲۳۸ حکایت ۳۱۲ فریفته‌ی دنیا
- ۲۳۹ حکایت ۳۱۳ تاجداران واقعی
- ۲۴۰ حکایت ۳۱۴ بی‌نیازی ابوذر
- ۲۴۰ حکایت ۳۱۵ نان حلال

بخش بیست و یکم

بردباری و بی‌صبری

- ۲۴۳ حکایت ۳۱۶ پند ترسا!
- ۲۴۳ حکایت ۳۱۷ صبر شگفت‌انگیز
- ۲۴۳ حکایت ۳۱۸ صبر جمیل سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم

بخش بیست و دوم

توبه و تسویف

- حکایت ۳۷۶ توبه‌ی شعوانه! ۲۸۳
- حکایت ۳۷۷ توبه‌ی خواص! ۲۸۳
- حکایت ۳۷۸ آزریر خطر ابلیس ۲۸۴
- حکایت ۳۷۹ ابراهیم ادهم و توبه‌اش ۲۸۵
- حکایت ۳۸۰ شادی خداوند ۲۸۵
- حکایت ۳۸۱ توبه‌ی انسان از نظر شیطان ۲۸۵
- حکایت ۳۸۲ راهزن معروف توبه می‌کند... ۲۸۶
- حکایت ۳۸۳ توبه‌ی حقیقی ۲۸۶
- حکایت ۳۸۴ نمونه‌ای از توبه‌ی واقعی ۲۸۸
- حکایت ۳۸۵ توبه‌ی پنهان یا آشکار..... ۲۸۸
- حکایت ۳۸۶ چگونه پشیمان شد و توبه کرد ۲۸۹
- حکایت ۳۸۷ در توبه تأخیر نکنید ۲۹۰
- حکایت ۳۸۸ توبه هنگام مرگ ۲۹۱
- حکایت ۳۸۹ توبه در لحظه‌ی حساس ۲۹۱
- حکایت ۳۹۰ ناامید نشوید ۲۹۲
- حکایت ۳۹۱ مخترع دین و توبه..... ۲۹۳
- حکایت ۳۹۲ یا مَنْ له الدنیا و الآخره! ۲۹۳

بخش بیست و سوم

اقامه‌ی نماز و بی‌نمازی

- حکایت ۳۹۳ علی علیه السلام در حال نماز..... ۲۹۷
- حکایت ۳۹۴ فوت نماز..... ۲۹۷
- حکایت ۳۹۵ مقدس اردبیلی و نماز شب... ۲۹۷
- حکایت ۳۹۶ گناهان پاییزی!..... ۲۹۸
- حکایت ۳۹۷ نماز سرباز..... ۲۹۸
- حکایت ۳۹۸ زهروان سید الساجدین علیه السلام .. ۲۹۹

- حکایت ۳۴۸ شهادت حمزه و صبر پیامبر ۹..... ۲۶۴
- حکایت ۳۴۹ پاداش برای مؤمنان ۲۶۴
- حکایت ۳۵۰ تحفه‌ی خدا ۲۶۵
- حکایت ۳۵۱ بهتر از شهادت ۲۶۵
- حکایت ۳۵۲ پاداش شکیبایی در مصیبت ۲۶۵
- حکایت ۳۵۳ استقامت در برابر بلا ۲۶۶
- حکایت ۳۵۴ مردان پایدار در میدان نبرد .. ۲۶۷
- حکایت ۳۵۵ شکیبایی معاذ بر فوت فرزند . ۲۶۸
- حکایت ۳۵۶ انوشیروان و پیر خارکش ۲۶۹
- حکایت ۳۵۷ تحمل سختی‌ها ۲۷۰
- حکایت ۳۵۸ استقامت ابودجانه ۲۷۰
- حکایت ۳۵۹ بهترین موقعیت..... ۲۷۱
- حکایت ۳۶۰ پایداری خانواده‌ی مسلمان .. ۲۷۲
- حکایت ۳۶۱ ابوالحجاج و استاد عجیب!... ۲۷۳
- حکایت ۳۶۲ مسلمان باید پایدار باشد ۲۷۳
- حکایت ۳۶۳ سگ باحیا ۲۷۴
- حکایت ۳۶۴ تفاوت اساسی! ۲۷۴
- حکایت ۳۶۵ بزرگواری آخوند خراسانی..... ۲۷۵
- حکایت ۳۶۶ هندوانه! ۲۷۵
- حکایت ۳۶۷ طالب وصل ۲۷۵
- حکایت ۳۶۸ صبر حضرت ایوب..... ۲۷۵
- حکایت ۳۶۹ بردباری حضرت موسی بن جعفر علیه السلام . ۲۷۷
- حکایت ۳۷۰ بردباری امام صادق علیه السلام ۲۷۸
- حکایت ۳۷۱ بحث صادقانه ۲۷۸
- حکایت ۳۷۲ بردباری امام حسن مجتبی علیه السلام ۲۷۹
- حکایت ۳۷۳ بردباری حضرت زین العابدین علیه السلام ... ۲۷۹
- حکایت ۳۷۴ خسران مسخره ۲۷۹
- حکایت ۳۷۵ بردباری امام باقر علیه السلام ۲۸۰

بخش بیست و پنجم

امانت‌داری و خیانت

- حکایت ۳۹۹ عبادت دوستان علی علیه السلام ۳۰۰
- حکایت ۴۰۰ حضور قلب ۳۰۰
- حکایت ۴۰۱ محل اشیاء گمشده! ۳۰۱
- حکایت ۴۰۲ نافله‌ی شب ۳۰۱
- حکایت ۴۰۳ از این جوانان ارجمند بیاموزیم ۳۰۲
- حکایت ۴۰۴ عجیب‌ترین مهریه! ۳۰۳
- حکایت ۴۰۵ نماز کلاغی ۳۰۴
- حکایت ۴۰۶ روزه و نماز بانویی ارجمند ۳۰۴
- حکایت ۴۰۷ مالک اشتر در چه روزی روزه داشت .. ۳۰۵
- حکایت ۴۰۸ وقت را غنیمت شمردید ۳۰۶
- حکایت ۴۰۹ خواجه ربیع و عبادت ۳۰۷
- حکایت ۴۲۳ طرز امان ۳۱۹
- حکایت ۴۲۴ امانت‌داری شیخ ابوعثمان ... ۳۱۹
- حکایت ۴۲۵ قبری پر از مار! ۳۲۰
- حکایت ۴۲۶ وزیر خیانتکار ۳۲۰
- حکایت ۴۲۷ برکت امانت‌داری ۳۲۱
- حکایت ۴۲۸ امین ۳۲۱
- حکایت ۴۲۹ قطع دست ۳۲۲
- حکایت ۴۳۰ امانت‌دار تنگ‌دست ۳۲۲
- حکایت ۴۳۱ خیانت در زیارت ۳۲۴
- حکایت ۴۳۲ حل مشکل! ۳۲۴
- حکایت ۴۳۳ امانت‌داری ام سلمه ۳۲۵
- حکایت ۴۳۴ عطار خیانتکار ۳۲۵
- حکایت ۴۳۵ امانت ابن ملجم! ۳۲۶
- حکایت ۴۳۶ چوپان و گوسفندان یهودیان ۳۲۷
- حکایت ۴۳۷ رسوا شدن عمیر ۳۲۷
- حکایت ۴۳۸ بانوی باوفا و امانت‌دار ۳۲۸
- حکایت ۴۳۹ سزای خیانت در امانت ۳۳۰

بخش بیست و ششم

راستگویی و دروغ‌گویی

- حکایت ۴۱۰ توکل بر مخلوق! ۳۰۹
- حکایت ۴۱۱ بال‌های توکل ۳۰۹
- حکایت ۴۱۲ به غیر خدا اعتماد نکنید ۳۱۰
- حکایت ۴۱۳ پناهگاهی برای سختی‌ها ... ۳۱۱
- حکایت ۴۱۴ دل‌کندن از غیر خدا ۳۱۲
- حکایت ۴۱۵ حضرت موسی (ع) در دل سنگ چه دید! ۳۱۳
- حکایت ۴۱۶ توکل کنید ۳۱۴
- حکایت ۴۱۷ هر کس توکل کند راه را گم نخواهد کرد ۳۱۴
- حکایت ۴۱۸ معنی رضا و تسلیم ۳۱۵
- حکایت ۴۱۹ با توکل زانوی اشتر ببند! ۳۱۵
- حکایت ۴۲۰ مقام اهل رضا و تسلیم ۳۱۶
- حکایت ۴۲۱ هر کس تسلیم نباشد زیان می‌بیند ... ۳۱۶
- حکایت ۴۲۲ تسلیم بی‌شکایت ۳۱۷
- حکایت ۴۴۰ سرآمد گناهان! ۳۳۳
- حکایت ۴۴۱ کیفر سوگند دروغ ۳۳۳
- حکایت ۴۴۲ معاویه و احنف قیس ۳۳۴
- حکایت ۴۴۳ حجاج و مرد راستگو ۳۳۴
- حکایت ۴۴۴ کیمیا ۳۳۵
- حکایت ۴۴۵ ولید بن عقبه ۳۳۵

بخش بیست و چهارم

توکل و عدم توکل

بخش بیست و هشتم

مهمان نوازی

- حکایت ۴۷۱ مهمان نوازی عرب بادیه نشین ۳۵۳
 حکایت ۴۷۲ تیزهوشی دخترک میزبان ... ۳۵۳
 حکایت ۴۷۳ پاداش مهمان دوستی ۳۵۳
 حکایت ۴۷۴ احترام مهمان ۳۵۴
 حکایت ۴۷۵ میزبان حقیقی ۳۵۵
 حکایت ۴۷۶ میزبان قرض می کند ۳۵۵
 حکایت ۴۷۷ مهمانی بدون تکلف ۳۵۵
 حکایت ۴۷۸ سر سفره‌ی امام مجتبی علیه السلام ۳۵۶
 حکایت ۴۷۹ میهمان یا میزبان؟ ۳۵۶
 حکایت ۴۸۰ بلندهمت‌ی در باره‌ی مهمان .. ۳۵۶
 حکایت ۴۸۱ سه روز مهمانی ۳۵۷
 حکایت ۴۸۲ خوردن مجازی ۳۵۸
 حکایت ۴۸۳ احترام میهمان ۳۵۹
 حکایت ۴۸۴ چگونه از مهمان پذیرایی کنیم ۳۵۹
 حکایت ۴۸۵ مهمان ولی عصر (عج) ۳۶۰
 حکایت ۴۸۶ بادیه نشینان چه می کنند ۳۶۰
 حکایت ۴۸۷ مهمان خدا! ۳۶۱
 حکایت ۴۸۸ طفیلی ۳۶۲

بخش بیست و نهم

یاکدامنی و بی عفتی

- حکایت ۴۸۹ حفظ عفت تا پای جان! ۳۶۵
 حکایت ۴۹۰ زن و شوهر عقیف ۳۶۵
 حکایت ۴۹۱ فرشته‌ی عفت! ۳۶۶
 حکایت ۴۹۲ شاگرد برآز ۳۶۷
 حکایت ۴۹۳ روگرفتن از خروس! ۳۶۸
 حکایت ۴۹۴ آهوی بی چشم! ۳۶۸

- حکایت ۴۴۶ زیان دروغگویی ۳۳۶
 حکایت ۴۴۷ چوپان دروغگو! ۳۳۶
 حکایت ۴۴۸ گرسنگی و دروغ ۳۳۶
 حکایت ۴۴۹ زینب کذآبه ۳۳۷
 حکایت ۴۵۰ دروغ امیر حسین ۳۳۸
 حکایت ۴۵۱ شک کردی ۳۳۸
 حکایت ۴۵۲ به خدا قسم دروغ می گویی ۳۳۹
 حکایت ۴۵۳ عاقبت دروغگو ۳۳۹
 حکایت ۴۵۴ دروغ مصلحت آمیز ۳۴۰
 حکایت ۴۵۵ دروغی به قیمت جان ۳۴۰

بخش بیست و دهم

واقع گویی و چاپلوسی

- حکایت ۴۵۶ عیناق ابوالوکیل! ۳۴۳
 حکایت ۴۵۷ افتخارات اکسیژن! ۳۴۳
 حکایت ۴۵۸ از چاپلوسی بی زارم! ۳۴۴
 حکایت ۴۵۹ از علی علیه السلام دفاع کرد! ۳۴۴
 حکایت ۴۶۰ صدای کفش چاپلوسان! ۳۴۵
 حکایت ۴۶۱ طاووس یمانی! ۳۴۵
 حکایت ۴۶۲ مبلغ متملق! ۳۴۶
 حکایت ۴۶۳ خوشگل تر از معاویه! ۳۴۷
 حکایت ۴۶۴ مرد عاقل! ۳۴۷
 حکایت ۴۶۵ شرفیابی بحر خزر ۳۴۸
 حکایت ۴۶۶ خوش رقصی! ۳۴۸
 حکایت ۴۶۷ پادشاهی خدا ۳۴۸
 حکایت ۴۶۸ قبله‌ی عالم! ۳۴۹
 حکایت ۴۶۹ کاه و کوه! ۳۵۰
 حکایت ۴۷۰ میل، مبارک! ۳۵۰

۳۸۹	یوسف ثانی	۵۱۸	حکایت	۳۶۹	شمشیر و ازدواج	۴۹۵	حکایت
۳۸۹	هوی پرستی به بت پرستی کشاند	۵۱۹	حکایت	۳۷۰	یوسف زیست	۴۹۶	حکایت
۳۹۰	نتیجه‌ی مخالفت با نفس	۵۲۰	حکایت	۳۷۰	حماق منجاب!	۴۹۷	حکایت
۳۹۱	بشر حافی	۵۲۱	حکایت	۳۷۱	عطر پاکدامنی	۴۹۸	حکایت
۳۹۱	سودمند شدن کافر	۵۲۲	حکایت	۳۷۲	خیاط پاکدامن	۴۹۹	حکایت
۳۹۲	نیابت ولّی عصر (عج)	۵۲۳	حکایت	۳۷۳	سفیده‌ی تخم مرغ	۵۰۰	حکایت
۳۹۲	غلام و خواسته‌ی نفس	۵۲۴	حکایت	۳۷۴	جزای دفع تهمت	۵۰۱	حکایت
۳۹۳	قدرت یک زن آلوده	۵۲۵	حکایت	۳۷۴	چشم‌چرانی	۵۰۲	حکایت
۳۹۴	مبارزه‌ی ثروت و ایمان!	۵۲۶	حکایت					
۳۹۵	آتش سرد!	۵۲۷	حکایت					

بخش سی‌ام

کشاده‌رویی و عبوس بودن

۳۹۶	در آغوش نوعروس یا در آغوش جنگ	۵۲۸	حکایت	۳۷۷	پرتوی از اخلاق نبوی <small>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</small>	۵۰۳	حکایت
۳۹۷	خودپسندی یا لشکر اسلام چه کرد؟	۵۲۹	حکایت	۳۷۷	برتر از رسول!	۵۰۴	حکایت
۳۹۹	کبر، خسرو پرویز را هلاک کرد	۵۳۰	حکایت	۳۷۷	مزایای خلق خوش	۵۰۵	حکایت
۴۰۰	چیره شدن شیطان!	۵۳۱	حکایت	۳۷۹	بداخلاقی سعد بن معاذ	۵۰۶	حکایت
۴۰۰	خودپسندی چه بلایی است!	۵۳۲	حکایت	۳۷۹	مأمون و بداخلاقی	۵۰۷	حکایت
					۳۸۰	رهبر باید خوش‌خوترین مردم باشد	۵۰۸	حکایت
					۳۸۰	هدایت از طریق عمل کردن	۵۰۹	حکایت

بخش سی‌ودوم

عزت نفس و ذلت نفس

۴۰۳	اسکندر و دیوژن	۵۳۳	حکایت
۴۰۳	تمنای گوشت!	۵۳۴	حکایت
۴۰۳	نصیحت زاهد!	۵۳۵	حکایت
۴۰۴	بلند همتی	۵۳۶	حکایت
۴۰۶	پناهندگی به پرچم بیگانگان؟	۵۳۷	حکایت
۴۰۶	پادشاهی بر خود!	۵۳۸	حکایت
۴۰۷	عزت و ذلت	۵۳۹	حکایت
۴۰۷	اوج عزت در اسارت	۵۴۰	حکایت
۴۰۸	منت حاتم طایی!	۵۴۱	حکایت
۴۰۸	محمد و ذوالریاستین	۵۴۲	حکایت
۴۰۹	عزت نفس سید رضی	۵۴۳	حکایت

بخش سی‌ویکم

پیروی از هوای نفس

۳۸۳	شکل خواسته‌های دل	۵۱۰	حکایت
۳۸۳	زلیخا و پیروی از هوای نفس	۵۱۱	حکایت
۳۸۴	ازدهای نفس!	۵۱۲	حکایت
۳۸۵	قدرت شهوت!	۵۱۳	حکایت
۳۸۶	گناه سوزی عابد!	۵۱۴	حکایت
۳۸۶	طبیعت و تربیت	۵۱۵	حکایت
۳۸۷	عاقبت شهوترانی	۵۱۶	حکایت
۳۸۸	زیان بنی‌امیه برای اسلام	۵۱۷	حکایت

حکایت ۵۴۴	ذلت کوفیان..... ۴۱۰
حکایت ۵۴۵	زیاد و پسرش ۴۱۱
حکایت ۵۴۶	پادشاه عزت نفس..... ۴۱۲
حکایت ۵۴۷	داستان عدالت..... ۴۱۴
حکایت ۵۴۸	درسی که دین به ما می آموزد..... ۴۱۴
حکایت ۵۴۹	همت نعمان بن بشیر ۴۱۵
حکایت ۵۵۰	بلند همتی، کمیت..... ۴۱۵
حکایت ۵۵۱	زنی شرافتمند و خوش عقیده..... ۴۱۶
حکایت ۵۵۲	تقاضای کمک مالی ۴۱۷

بخش سی و نهم

شرابخواری

حکایت ۵۷۰	شراب خرما..... ۴۳۵
حکایت ۵۷۱	شراب، عامل شکست ۴۳۵
حکایت ۵۷۲	زاهد سالوس..... ۴۳۷
حکایت ۵۷۳	أمّ الخبائث ۴۳۷
حکایت ۵۷۴	مخوان این سوزه را ای استاد!..... ۴۳۷
حکایت ۵۷۵	روسیاهی هنگام مرگ..... ۴۳۸
حکایت ۵۷۶	انتقام خدا!..... ۴۳۸
حکایت ۵۷۷	غروب کردن دولت صفوی... ۴۳۹
حکایت ۵۷۸	نتیجه‌ی همیشنی با شرابخواران..... ۴۳۹
حکایت ۵۷۹	شراب، برامکه را نابود کرد... ۴۴۰
حکایت ۵۸۰	یزید بن عبد الملک و شراب..... ۴۴۱
حکایت ۵۸۱	کلید هر جنایت..... ۴۴۲
حکایت ۵۸۲	شراب خوار کم نظیر..... ۴۴۳
حکایت ۵۸۳	کیفیت معاشرت با شرابخوار..... ۴۴۳
حکایت ۵۸۴	این غلام چگونه توبه کرد... ۴۴۴

بخش سی و سوم

آرزوهای دور و دراز

حکایت ۵۵۳	آرزوی نامحدود..... ۴۱۹
حکایت ۵۵۴	نمونه‌ای از حدود عمر ۴۱۹
حکایت ۵۵۵	تأثیر یک انگشتر..... ۴۲۰
حکایت ۵۵۶	در آرزوی یک ماهی ۴۲۰
حکایت ۵۵۷	آرزوی اهل دل ۴۲۱
حکایت ۵۵۸	خانه‌ی دنیا از نظر امام علی (ع) ۴۲۲
حکایت ۵۵۹	آرزوی یک روز سلطنت..... ۴۲۳
حکایت ۵۶۰	آرزو برای ادامه‌ی زندگی ۴۲۴
حکایت ۵۶۱	آرزوی دراز و صد تازیانه..... ۴۲۵

بخش سی و ششم

سخاوت و خساست

حکایت ۵۸۵	بخیل و سرگوسفند!..... ۴۴۷
حکایت ۵۸۶	گرد کرد و نخورد!..... ۴۴۸
حکایت ۵۸۷	مهمانی کریمان ۴۴۹
حکایت ۵۸۸	مرد بخیل و درهم و دینار..... ۴۴۹
حکایت ۵۸۹	بخل معاویه ۴۴۹

بخش سی و چهارم

دنیا دوستی و بی وفایی آن

حکایت ۵۶۲	برگشت روزگار..... ۴۲۷
حکایت ۵۶۳	ابتدای حال برامکه ۴۲۷
حکایت ۵۶۴	حکومت برامکه..... ۴۲۸
حکایت ۵۶۵	آخرین یادبود برامکه..... ۴۲۹
حکایت ۵۶۶	ریاست دنیا..... ۴۳۰

- حکایت ۵۹۰ سلسله مراتب! ۴۵۰
- حکایت ۵۹۱ بخیلی و بخشندگی ۴۵۰
- حکایت ۵۹۲ خواجه و غلام بخیل ۴۵۱
- حکایت ۵۹۳ کدام یک بیشتر گذشت داشتند؟! ۴۵۱
- حکایت ۵۹۴ مرد کوفی و کودکش ۴۵۱
- حکایت ۵۹۵ سخاوت و شجاعت ۴۵۲
- حکایت ۵۹۶ جواب امام زمان علیه السلام ۴۵۲
- حکایت ۵۹۷ بدون شرح! ۴۵۳
- حکایت ۵۹۸ سخی تر از حاتم ۴۵۳
- حکایت ۵۹۹ خدا سخاوت را دوست دارد. ۴۵۳
- حکایت ۶۰۰ گرم و عذرخواهی! ۴۵۴
- حکایت ۶۰۱ چوب و زر ۴۵۴
- حکایت ۶۰۲ صدر مجلس ۴۵۴
- حکایت ۶۰۳ عطای پنهانی ۴۵۵
- حکایت ۶۰۴ کوچه‌ی عمومی ۴۵۵
- حکایت ۶۰۵ سیصد اشرفی ۴۵۵
- حکایت ۶۰۶ قیس بن سعد ۴۵۶
- حکایت ۶۰۷ گناه بخیل ۴۵۷
- حکایت ۶۰۸ بخل منصور دوانیقی ۴۵۷
- حکایت ۶۰۹ بخیل‌های عرب ۴۵۸
- حکایت ۶۱۰ ثعلبه‌ی انصاری ۴۵۹
- حکایت ۶۱۱ فواید سر خروس! ۴۶۰
- حکایت ۶۱۲ جوانمردان سخی ۴۶۱
- حکایت ۶۱۳ ختم قرآن یا بذل قربان! ۴۶۳
- حکایت ۶۱۴ منصور دوانیقی در بخل شهرت دارد. ۴۶۳
- حکایت ۶۱۵ آزادی خروس! ۴۶۳
- حکایت ۶۱۶ خانه‌ای پر از سوزن! ۴۶۴
- حکایت ۶۱۷ بخیل نیکوکاری نمی‌کند ۴۶۴
- حکایت ۶۱۸ از سخاوتمندان مشهور ۴۶۵
- حکایت ۶۱۹ عاشق دلسوخته را به وصال رسانید ... ۴۶۵
- حکایت ۶۲۰ شما قضاوت کنید. ۴۶۶
- حکایت ۶۲۱ کوزه‌ی بی‌نم ۴۶۷
- حکایت ۶۲۲ سخاوت یک سرباز ۴۶۷
- حکایت ۶۲۳ نمونه‌ای از جود معن ۴۶۸
- حکایت ۶۲۴ چرا سامری کشته نشد؟ ۴۶۸
- حکایت ۶۲۵ بخشش به دشمن! ۴۶۹
- حکایت ۶۲۶ شمه‌ای از جود حسین بن علی علیه السلام ... ۴۶۹
- حکایت ۶۲۷ نمونه‌ی از جود حضرت صادق علیه السلام ... ۴۷۰
- حکایت ۶۲۸ بخل هشام بن عبد الملک ... ۴۷۱
- حکایت ۶۲۹ موسی بن جعفر علیه السلام و عید نوروز! ... ۴۷۱
- حکایت ۶۳۰ چند نمونه از بخل منصور ۴۷۲
- حکایت ۶۳۱ بهترین نوشابه! ۴۷۳
- حکایت ۶۳۲ بخل قارون ۴۷۳
- حکایت ۶۳۳ زندگی ناجوانمردانه‌ی بخیل . ۴۷۵

بخش سی و هشتم

همکاری با ستمگران

- حکایت ۶۳۴ ستمگران و هوادارانشان ۴۷۷
- حکایت ۶۳۵ کارمند بنی‌امیه ۴۷۷
- حکایت ۶۳۶ شتر دیدی ندیدی! ۴۷۸
- حکایت ۶۳۷ فرصتی برای نویسنده‌ی ۴۷۸
- حکایت ۶۳۸ همنشینی با منصور ۴۷۹
- حکایت ۶۳۹ معاشرت با اهل ستم؛ ممنوع ۴۷۹
- حکایت ۶۴۰ ترس خروسی! ۴۷۹
- حکایت ۶۴۱ درخواست کبیر ۴۸۰
- حکایت ۶۴۲ بیداری وزیر ۴۸۰
- حکایت ۶۴۳ عمل خواجه نظام الملک ۴۸۱
- حکایت ۶۴۴ همکاری عادلانه با ستمگر! .. ۴۸۲

بخش چهارم

تکریم و تحقیر

- حکایت ۶۶۶ توسل مرد مبروص ۴۹۹
 حکایت ۶۶۷ بوسه بر دست کارگر ۴۹۹
 حکایت ۶۶۸ احترام متقابل ۴۹۹
 حکایت ۶۶۹ پذیرایی از آستین! ۵۰۰
 حکایت ۶۷۰ کمتر و بهتر و برابر! ۵۰۱
 حکایت ۶۷۱ قمر خانگی! ۵۰۲
 حکایت ۶۷۲ نفی نژادپرستی! ۵۰۲
 حکایت ۶۷۳ هر چه می‌خواهد دل تنگت بگو ۵۰۲
 حکایت ۶۷۴ دوستی ناتمام! ۵۰۳
 حکایت ۶۷۵ کاهوهای نامرغوب! ۵۰۳
 حکایت ۶۷۶ شکایت از روزگار ۵۰۴
 حکایت ۶۷۷ کبوتر بازان! ۵۰۴
 حکایت ۶۷۸ سیره‌ی پیامبر ﷺ ۵۰۵
 حکایت ۶۷۹ پیرمرد و کودکان ۵۰۵
 حکایت ۶۸۰ اسب لاغر و گاو پروار! ۵۰۶
 حکایت ۶۸۱ نتیجه‌ی خوار شمردن ۵۰۷
 حکایت ۶۸۲ بدتر از خود را بیاور ۵۰۷

بخش چهارم و یکم

دوستی و کینه

- حکایت ۶۸۳ کینه‌توزی و لید ۵۰۹
 حکایت ۶۸۴ میخکوب! ۵۰۹
 حکایت ۶۸۵ منافق کینه‌توز ۵۰۹
 حکایت ۶۸۶ تبدیل کینه به دوستی ۵۱۰
 حکایت ۶۸۷ هند جگرخوار ۵۱۱

- حکایت ۶۴۵ شرایط اشتغال در دستگاه ستمگران .. ۴۸۳
 حکایت ۶۴۶ شغلی برای کمک به شیعیان . ۴۸۳
 حکایت ۶۴۷ مردان خدمتگزار را بشناسید .. ۴۸۴
 حکایت ۶۴۸ علی بن یقطین و وزارت ۴۸۴

بخش سی و هشتم

حسن ظن و سوء ظن

- حکایت ۶۴۹ خوره‌ی بدگمانی! ۴۸۷
 حکایت ۶۵۰ زبان مردم! ۴۸۷
 حکایت ۶۵۱ دو نفر زندانی ۴۸۷
 حکایت ۶۵۲ فاصله‌ی حق و باطل! ۴۸۷
 حکایت ۶۵۳ دعای معکوس ۴۸۸
 حکایت ۶۵۴ حسن ظن به خدا ۴۸۸
 حکایت ۶۵۵ خوش گمانی اهل مکه ۴۸۹

بخش سی و نهم

ایثار

- حکایت ۶۵۶ ایثار تشنگان! ۴۹۱
 حکایت ۶۵۷ افطاری ۴۹۱
 حکایت ۶۵۸ غلام ایثارگر ۴۹۱
 حکایت ۶۵۹ قرعه‌ی مرگ! ۴۹۲
 حکایت ۶۶۰ لیلۃ المبيت ۴۹۲
 حکایت ۶۶۱ ایثار حاتم طایی ۴۹۳
 حکایت ۶۶۲ گوش به دعای مادر ۴۹۴
 حکایت ۶۶۳ علی علیه السلام و بیت المال ۴۹۴
 حکایت ۶۶۴ تشنه و مشک پر آب ۴۹۵
 حکایت ۶۶۵ روز مادر ۴۹۶

بخش چهل و دوم

باخبری و غفلت

- حکایت ۶۸۸ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ! ۵۱۳
- حکایت ۶۸۹ ریش پرست! ۵۱۵
- حکایت ۶۹۰ شاهزاده‌ای که می‌خواست داماد شود! ۵۱۵
- حکایت ۶۹۱ بلبل غافل و مور عاقل! ۵۱۶

بخش چهل و سوم

عاقبت به خیری و عاقبت به شری

- حکایت ۶۹۲ میرزا جواد آقا ملکی تبریزی .. ۵۱۹
- حکایت ۶۹۳ عاقبت وزارت! ۵۱۹
- حکایت ۶۹۴ آخرین لحظات زندگی ابوذر .. ۵۲۰
- حکایت ۶۹۵ حاج شیخ عباس تربتی ۵۲۲
- حکایت ۶۹۶ عاقبت حجاج ۵۲۳
- حکایت ۶۹۷ شهید ثانی ۵۲۴
- حکایت ۶۹۸ فریاد سکوت ۵۲۵
- حکایت ۶۹۹ هنگام مرگ هارون الرشید .. ۵۲۶
- حکایت ۷۰۰ دعوت حق را لبیک گفت! ۵۲۷
- حکایت ۷۰۱ سرانجام نگاه هوس‌آلود .. ۵۲۷
- حکایت ۷۰۲ تو را تیشه دادند که هبزم، کنی! ۵۲۷
- حکایت ۷۰۳ عاقبت دزدی! ۵۲۸
- حکایت ۷۰۴ سرانجام یزید پلید ۵۲۹
- حکایت ۷۰۵ سرانجام ابن زیاد .. ۵۳۰
- حکایت ۷۰۶ سرانجام حرمه ۵۳۱
- حکایت ۷۰۷ پایان نکبت‌بار حکومت بنی امیه ۵۳۱
- حکایت ۷۰۸ سلطان بی‌سلطنت ۵۳۲
- حکایت ۷۰۹ استخاره‌ای برای نواب صفوی! ۵۳۲
- حکایت ۷۱۰ ملاقات خداوند با محاسن سفید ۵۳۳

بخش چهل و چهارم

مکافات عمل

- حکایت ۷۱۱ گدا!! ۵۳۵
- حکایت ۷۱۲ گربه‌ی مشتعل! ۵۳۵
- حکایت ۷۱۳ هر چه کنی به خود کنی ۵۳۵
- حکایت ۷۱۴ گواهی مرغان! ۵۳۶
- حکایت ۷۱۵ تا توانی درون کس مخراش .. ۵۳۷
- حکایت ۷۱۶ پیرمرد و مکافات ۵۳۷
- حکایت ۷۱۷ بذر انفاق! ۵۳۸

بخش چهل و پنجم

سعی و کوشش

- حکایت ۷۱۸ به مقدار کار اجرت می‌گیری .. ۵۴۱
- حکایت ۷۱۹ فرق گفتار با کردار ۵۴۱
- حکایت ۷۲۰ عمل کوچک و مزد بزرگ ۵۴۱
- حکایت ۷۲۱ پاداش هر عمل متناسب با نیت ۵۴۲
- حکایت ۷۲۲ آیا بهشت جزای عمل ما است؟ ۵۴۲
- حکایت ۷۲۳ غلامان امید خراسانی ۵۴۳
- حکایت ۷۲۴ باید از گناه پاک شد ۵۴۳
- حکایت ۷۲۵ کبریت احمر! ۵۴۴

بخش چهل و ششم

میان‌روی و اسراف

- حکایت ۷۲۶ سخن بهلول بر دیوار قصر هارون ۵۴۷
- حکایت ۷۲۷ نمونه‌ای از زیاده‌روی خلفا ... ۵۴۷
- حکایت ۷۲۸ اسراف از نوعی دیگر ۵۴۸
- حکایت ۷۲۹ اسراف حقیقی! ۵۴۸
- حکایت ۷۳۰ اسراف مکن! ۵۴۹
- حکایت ۷۳۱ دوستان ناهل ۵۴۹

- حکایت ۷۳۲ ارث دو عمو ۵۴۹
 حکایت ۷۳۳ تنور شکم ۵۵۰
 حکایت ۷۳۴ عبادت به اندازه‌ی ایمان ۵۵۰
 حکایت ۷۳۵ اسراف نه، اقتصاد آری ۵۵۱
 حکایت ۷۳۶ چگونه زندگی کنیم ۵۵۱
 حکایت ۷۳۷ دستور میانه‌روی ۵۵۲

بخش چهل و هفتم

زهد

- حکایت ۷۳۸ زاهد و پارسا در کلام حضرت مولا ۵۵۵
 حکایت ۷۳۹ زهد مولای متقیان علیه السلام ۵۵۵
 حکایت ۷۴۰ داستان دیگری از علی علیه السلام ۵۵۵
 حکایت ۷۴۱ اثر حلوائی قرضی! ۵۵۶
 حکایت ۷۴۲ حد و مرز زهد ۵۵۶
 حکایت ۷۴۳ صبر زاهد ۵۵۷
 حکایت ۷۴۴ به خاطر زهد اعتنایی نمی‌کنند ۵۵۷
 حکایت ۷۴۵ زاهد دغلباز ۵۵۸

بخش چهل و هشتم

حکایت‌های عبرت‌انگیز

- حکایت ۷۴۶ نشنید و شنیدی ۵۶۱
 حکایت ۷۴۷ طمع بی‌جا! ۵۶۱
 حکایت ۷۴۸ قیافه‌ی مرگ! ۵۶۱
 حکایت ۷۴۹ فرار از دست عزرائیل! ۵۶۲
 حکایت ۷۵۰ عدو شود سبب خیر ۵۶۲
 حکایت ۷۵۱ افتخار اسلام! ۵۶۳
 حکایت ۷۵۲ مأموریت عقرب ۵۶۴
 حکایت ۷۵۳ خوردن سنگ، اکیداً ممنوع! ۵۶۴
 حکایت ۷۵۴ شب اول قبر ۵۶۵
- حکایت ۷۵۵ فضل خدا و خلق ۵۶۶
 حکایت ۷۵۶ دست کریم ۵۶۶
 حکایت ۷۵۷ نتیجه‌ی قضاوت نیم‌شاهی .. ۵۶۶
 حکایت ۷۵۸ مار و عقرب! ۵۶۸
 حکایت ۷۵۹ اصناف مردم! ۵۶۸
 حکایت ۷۶۰ در بزم خلیفه ۵۶۹
 حکایت ۷۶۱ مرگ در کنار گونی‌های اسکناس! ۵۷۰
 حکایت ۷۶۲ خرجه‌ی آتشین ۵۷۰
 حکایت ۷۶۳ باغ وحش ۵۷۱
 حکایت ۷۶۴ نکته‌ای باریک‌تر از مو! ۵۷۱
 حکایت ۷۶۵ خانه‌ی اخروی! ۵۷۲
 حکایت ۷۶۶ چشم برزخی ۵۷۲
 حکایت ۷۶۷ کاخ سران! ۵۷۲
 حکایت ۷۶۸ عابد نادان! ۵۷۳
 حکایت ۷۶۹ در آرزوی دزدی! ۵۷۳
 حکایت ۷۷۰ نگران! ۵۷۴
 حکایت ۷۷۱ رضایت مادر ۵۷۴
 حکایت ۷۷۲ راه تشرف ۵۷۵
 حکایت ۷۷۳ مراتب بندگان! ۵۷۵
 حکایت ۷۷۴ غذاهای تسبیحی! ۵۷۵
 حکایت ۷۷۵ نعمت فردوس برای شما ۵۷۷
 حکایت ۷۷۶ علت اصلی تأخیر ۵۷۷
 حکایت ۷۷۷ قدرشناسی! ۵۷۷
 حکایت ۷۷۸ هزارپا! ۵۷۸
 حکایت ۷۷۹ خداترسی زن باغبان! ۵۷۸
 حکایت ۷۸۰ خداوندی محتاج! ۵۷۸
 حکایت ۷۸۱ لطف لطیف! ۵۷۹
 حکایت ۷۸۲ گواهی‌ی اُمّ‌علاء ۵۸۰
 حکایت ۷۸۳ یزیدیان و حسینیان! ۵۸۰

- حکایت ۷۸۴ یا یهودی یا نصرانی؟! ۵۸۰
 حکایت ۷۸۵ حجاج و مرد عرب! ۵۸۰
 حکایت ۷۸۶ نیت پادشاه ۵۸۱
 حکایت ۷۸۷ شکر بی جا ۵۸۱
 حکایت ۷۸۸ نکند راست باشد! ۵۸۲
 حکایت ۷۸۹ از عطاری تا عرفان ۵۸۲
 حکایت ۷۹۰ از موسیقی به حکمت و عرفان ۵۸۲
 حکایت ۷۹۱ از رنگرزی تا ولّی شدن ۵۸۲
 حکایت ۷۹۲ دانشجوی بزرگسال ۵۸۳
 حکایت ۷۹۳ دزد عقاید! ۵۸۴
 حکایت ۷۹۴ صغیره و کبیره ۵۸۴
 حکایت ۷۹۵ مسجد ترک‌ها ۵۸۴
 حکایت ۷۹۶ سلب توفیق ۵۸۵
 حکایت ۷۹۷ آیه‌های آتش‌افزا! ۵۸۵
 حکایت ۷۹۸ یکان غالب و دهگان مغلوب! ۵۸۵
 حکایت ۷۹۹ آیه‌ای مناسب بر سنگ قبر .. ۵۸۶
 حکایت ۸۰۰ مرغ تسبیح‌گوی و من خاموش! ۵۸۶
 حکایت ۸۰۱ سکوت منفی! ۵۸۶
 حکایت ۸۰۲ مسافر! ۵۸۷
 حکایت ۸۰۳ حضرت موسی(ع) و پنج دشمن خطرناک! ۵۸۷
 حکایت ۸۰۴ مرصاد! ۵۸۸
 حکایت ۸۰۵ وکیل اموال الهی ۵۸۹
 حکایت ۸۰۶ زرّین تره کو بر خوان؟! ۵۸۹
 حکایت ۸۰۷ معاویه بن یزید ۵۹۰
 حکایت ۸۰۸ فرزند گمنام هارون الرشید ... ۵۹۲
 حکایت ۸۰۹ فلسفه‌ی آفرینش مگس! ۵۹۳
 حکایت ۸۱۰ مردان زن نما! ۵۹۳
 حکایت ۸۱۱ دنیای بی ارزش ۵۹۴
 حکایت ۸۱۲ تر و خشک! ۵۹۴
 حکایت ۸۱۳ سبکباری! ۵۹۵
 حکایت ۸۱۴ آب لیموی خالص! ۵۹۶
 حکایت ۸۱۵ بهترین و بدترین ۵۹۶
 حکایت ۸۱۶ کسادى بازار عمل! ۵۹۶
 حکایت ۸۱۷ ابوخیثمه ۵۹۷
 حکایت ۸۱۸ نفس مستعد ۵۹۷
 حکایت ۸۱۹ گوشه‌ای از حساب و کتاب قیامت ... ۵۹۸
 حکایت ۸۲۰ احتیاط شگفت‌آور ۵۹۸
 حکایت ۸۲۱ ملاً جعفر و حق الناس ۵۹۸
 حکایت ۸۲۲ نشکن، نمی‌گوییم! ۶۰۰
 حکایت ۸۲۳ اسم‌های بی‌مستی! ۶۰۰
 حکایت ۸۲۴ جبران گذشته ۶۰۱
 حکایت ۸۲۵ مسخ ارزش‌ها! ۶۰۱
 حکایت ۸۲۶ شیعیان شناسنامه‌ای ۶۰۳
 حکایت ۸۲۷ تأیید داستان قبلی با این حکایت‌ها .. ۶۰۴
 حکایت ۸۲۸ کبوتر مسجد! ۶۰۴
 حکایت ۸۲۹ آموزش زبان حیوانات! ۶۰۵
- بخش چهل و نهم**
- پند و اندرز**
- حکایت ۸۳۰ سوگند شیطان ۶۰۹
 حکایت ۸۳۱ مردی که اندرز خواست ۶۰۹
 حکایت ۸۳۲ مرده‌ای میان مردگان! ۶۰۹
 حکایت ۸۳۳ تصویری از قیامت ۶۱۰
 حکایت ۸۳۴ یک قدم پیش‌تر! ۶۱۰
 حکایت ۸۳۵ غزالی و راهزنان ۶۱۱
 حکایت ۸۳۶ خریدار سخنان حکمت‌آمیز .. ۶۱۲
 حکایت ۸۳۷ طرب‌آشتر! ۶۱۴
 حکایت ۸۳۸ رختخواب! ۶۱۴

- حکایت ۸۳۹ گدایی به نحو تذلل! ۶۱۴
- حکایت ۸۴۰ روز شوم! ۶۱۵
- حکایت ۸۴۱ برای کسی بمیر که برایت تب کند! ... ۶۱۵
- حکایت ۸۴۲ اندرزهای شیخ رجبعلی خیاط! ۶۱۶
- حکایت ۸۴۳ قیمت کشور هارون! ۶۱۶
- حکایت ۸۴۴ اندرز گنجشک! ۶۱۶
- حکایت ۸۴۵ عرض تسلیت ۶۱۷
- حکایت ۸۴۶ ارزنده‌ترین اندرز! ۶۱۷
- حکایت ۸۴۷ دو موعظه‌ی قرآنی ۶۱۸
- حکایت ۸۴۸ این آیه را هرگز فراموش نکن. ۶۱۸
- حکایت ۸۴۹ علت تعطیلی درس! ۶۱۹
- حکایت ۸۵۰ روز اذان را فراموش نکن! ۶۱۹
- حکایت ۸۵۱ عروس ایمان و زیور تقوا ۶۱۹
- بخش پنجاهم**
- گونگون**
- حکایت ۸۵۲ نمک شناسی طزار! ۶۲۷
- حکایت ۸۵۳ نیکی کن و نیکی اندیش! ... ۶۲۷
- حکایت ۸۵۴ سر بر آستان دوست ۶۲۸
- حکایت ۸۵۵ جواب لطیف! ۶۲۸
- حکایت ۸۵۶ همسفر حج ۶۲۹
- حکایت ۸۵۷ سلام علیکم! ۶۲۹
- حکایت ۸۵۸ نهی از منکر! ۶۳۰
- حکایت ۸۵۹ بنی کلاب! ۶۳۰
- حکایت ۸۶۰ عزاداری با حالت عجیب ۶۳۱
- حکایت ۸۶۱ گریاندن چهل جوان ۶۳۱
- حکایت ۸۶۲ نفرین به فرزند ۶۳۲
- حکایت ۸۶۳ از عشق مجازی تا عشق حقیقی! ۶۳۳
- حکایت ۸۶۴ عمل منافقانه! ۶۳۴
- حکایت ۸۶۵ شاه و حکیم ۶۳۴
- حکایت ۸۶۶ بهترین اعمال ۶۳۵
- حکایت ۸۶۷ پس انداز حقیقی! ۶۳۵
- حکایت ۸۶۸ علی رضی الله عنه شمشیرش را فروخت! ۶۳۷
- حکایت ۸۶۹ موقعیت مالک از نظر دشمن و دوست. ۶۳۷
- حکایت ۸۷۰ گریز از دام شیطان! ۶۳۸
- حکایت ۸۷۱ وزنه برداران ۶۳۹
- حکایت ۸۷۲ در خانه‌ی أم سلمه ۶۳۹
- حکایت ۸۷۳ یک سال روزه جرمه‌ی یک بار عصبانیت ۶۴۰
- حکایت ۸۷۴ دادرسی سلطان محمود غزنوی ۶۴۰
- حکایت ۸۷۵ فلسفه‌ی آزمایش‌های الهی .. ۶۴۱
- حکایت ۸۷۶ رجوع قبل از جان دادن ۶۴۱
- حکایت ۸۷۷ فرزند شیرخوار را فدای دین کرد ۶۴۲
- حکایت ۸۷۸ فراموش کردن شهادت فرزند. ۶۴۳
- حکایت ۸۷۹ سفینه‌ی النجاة ۶۴۴
- حکایت ۸۸۰ رفتن نزد نامرد! ۶۴۴
- حکایت ۸۸۱ نذر شیطانی ۶۴۴
- حکایت ۸۸۲ دزد مستغفر ۶۴۵
- حکایت ۸۸۳ سبب استغفار ۶۴۵
- حکایت ۸۸۴ استغفار اویس قرنی ۶۴۶
- حکایت ۸۸۵ استغفار طلحه! ۶۴۶
- حکایت ۸۸۶ اسراف مسلمة بن عبد الملک. ۶۴۷
- حکایت ۸۸۷ ابن فهد حلی ۶۴۸
- حکایت ۸۸۸ امام افسرده شد ۶۴۸
- حکایت ۸۸۹ پدر و دختر ۶۴۸
- حکایت ۸۹۰ تعصب بی‌مورد ۶۴۹
- حکایت ۸۹۱ آثار انفاق در فرزندان ۶۴۹
- حکایت ۸۹۲ مصافحه ۶۵۰
- حکایت ۸۹۳ پاکیزگی نفس ۶۵۰

- حکایت ۸۹۴ امیری بر نفس ۶۵۱
- حکایت ۸۹۵ جاذبه‌ی قرآن و تعصب ۶۵۱
- حکایت ۸۹۶ تعصب پدری! ۶۵۲
- حکایت ۸۹۷ فداکاری برای دوست ۶۵۲
- حکایت ۸۹۸ قزمان متعصب ۶۵۲
- حکایت ۸۹۹ همکاری اهل بصره! ۶۵۳
- حکایت ۹۰۰ دیدار شوم ۶۵۴
- حکایت ۹۰۱ دوستی با پیامبر ﷺ ۶۵۴
- حکایت ۹۰۲ دوست، بهتر از برادر نسبی ... ۶۵۴
- حکایت ۹۰۳ هدیه‌ی دوست یوسف ۶۵۵
- حکایت ۹۰۴ رحم حضرت موسی علیه السلام! ۶۵۵
- حکایت ۹۰۵ پیامبر مهربان ۶۵۶
- حکایت ۹۰۶ سبک‌تگین ۶۵۶
- حکایت ۹۰۷ غم آب و نان ۶۵۷
- حکایت ۹۰۸ زهد مثبت ۶۵۷
- حکایت ۹۰۹ حبّ و بغض برای خدا ۶۵۸
- حکایت ۹۱۰ اثر وضعی ۶۵۸
- حکایت ۹۱۱ تقوای خواص ۶۵۸
- حکایت ۹۱۲ فرصت ندادن به وسوسه‌ی شیطان .. ۶۵۹
- حکایت ۹۱۳ حدیث رضا و تسلیم ۶۵۹
- حکایت ۹۱۴ شیطان در سه حال ۶۶۰
- حکایت ۹۱۵ صدقه به غیر مؤمنان ۶۶۰
- حکایت ۹۱۶ تربیت فرزند ۶۶۱
- حکایت ۹۱۷ صدقه و انفاق از مال حلال .. ۶۶۲
- حکایت ۹۱۸ دفع بلای آسمانی ۶۶۳
- حکایت ۹۱۹ حفظ اموال با صدقه ۶۶۳
- حکایت ۹۲۰ هفتاد سال عبادت ۶۶۴
- حکایت ۹۲۱ صدقه برای رفع نحوست ۶۶۵
- حکایت ۹۲۲ انفاق بی منت ۶۶۵
- حکایت ۹۲۳ گرفتاری یوسف علیّه ۶۶۶
- حکایت ۹۲۴ درخواست و حفظ آبرو ۶۶۷
- حکایت ۹۲۵ فراوانی روزی با صدقه ۶۶۸
- حکایت ۹۲۶ حفظ فرزندان با صدقه ۶۶۸
- حکایت ۹۲۷ پینه‌های خدمت ۶۶۹
- حکایت ۹۲۸ شرط بهشت ۶۶۹
- حکایت ۹۲۹ وسواس در وضو ۶۷۰
- حکایت ۹۳۰ برادران تبسمی! ۶۷۰
- حکایت ۹۳۱ مرکبی راهوار به برکت دعا ... ۶۷۰
- حکایت ۹۳۲ چرا دعاها مستجاب نمی‌شود؟! ۶۷۱
- حکایت ۹۳۳ توسل در حوادث ۶۷۱
- حکایت ۹۳۴ با یک توسل نجات یافت ... ۶۷۲
- حکایت ۹۳۵ دعا کلید نجات ۶۷۴
- حکایت ۹۳۶ شرطی دیگر از شرایط استجابت دعا .. ۶۷۵
- حکایت ۹۳۷ قلب پاک ۶۷۶
- حکایت ۹۳۸ چگونه دعا کنیم؟ ۶۷۶
- حکایت ۹۳۹ همت بلند در دعا و توسل ۶۷۷
- حکایت ۹۴۰ عدی بن حاتم و معاویه ۶۷۸
- حکایت ۹۴۱ شرح زندگی میثم تمار ۶۷۸
- حکایت ۹۴۲ یکی از دوستان علی علیه السلام ۶۸۱
- حکایت ۹۴۳ زید بن حارثه کیست؟ ۶۸۱
- حکایت ۹۴۴ ایثار رادمردان ۶۸۳
- حکایت ۹۴۵ سلمان از چه بیم داشت؟ ۶۸۳
- حکایت ۹۴۶ پیاده‌روی حضرت مجتبیٰ .. ۶۸۴
- حکایت ۹۴۷ عین الیقین ۶۸۵
- حکایت ۹۴۸ امام مجتبیٰ علیّه از چه می‌ترسید؟ ... ۶۸۵
- حکایت ۹۴۹ چگونه باید به خدا توجه داشت ۶۸۵
- حکایت ۹۵۰ شب‌های امام المتقین علیّه ... ۶۸۶
- حکایت ۹۵۱ باید خود را برای چنین روزی آماده کرد ۶۸۷

- حکایت ۹۵۲ کسی که ایمان دارد چنین ترسان است ۶۸۸
- حکایت ۹۵۳ رحمت خدا ۶۸۸
- حکایت ۹۵۴ چرا از منکر نهی نکردی؟ ... ۶۸۹
- حکایت ۹۵۵ روش نهی از منکر امام صادق علیه السلام ... ۶۹۰
- حکایت ۹۵۶ مدافع احکام الهی باید پاک باشد ۶۹۵
- حکایت ۹۵۷ ارزش تعلیم یک مسئله‌ی دینی ۶۹۲
- حکایت ۹۵۸ خوشه‌های شکر ۶۹۳
- حکایت ۹۵۹ شکر نعمت! ۶۹۳
- حکایت ۹۶۰ بیست هزار درهم یا یک باب علم ... ۶۹۳
- حکایت ۹۶۱ تا «و لا الضالین» ۶۹۴
- حکایت ۹۶۲ دانشمند خوب و پادشاه نیکو . ۶۹۴
- حکایت ۹۶۳ با داستان قبل مقایسه کنید .. ۶۹۵
- حکایت ۹۶۴ شاه عباس و دو عالم عامل .. ۶۹۵
- حکایت ۹۶۵ مقام دانشمند واقعی ۶۹۶
- حکایت ۹۶۶ مزد نامعین! ۶۹۶
- حکایت ۹۶۷ پسر حاتم و پیامبر خاتم ۶۹۷
- حکایت ۹۶۸ راه واقعی نجات ۷۰۰
- حکایت ۹۶۹ دشمنی با «ایام» ۷۰۰
- حکایت ۹۷۰ خوشا به حال شیعیان علی علیه السلام ۷۰۱
- حکایت ۹۷۱ با دشمنان مروت! ۷۰۱
- حکایت ۹۷۲ تقلید از علی علیه السلام ۷۰۳
- حکایت ۹۷۳ توجه ائمه علیهم السلام به دوستان ... ۷۰۳
- حکایت ۹۷۴ محاسبات غلط! ۷۰۴
- حکایت ۹۷۵ نعمت واقعی چیست؟ ۷۰۴
- حکایت ۹۷۶ برای مرگ دوستان چه می‌کنند؟ ۷۰۵
- حکایت ۹۷۷ محبت خدا به بندگان ۷۰۵
- حکایت ۹۷۸ بدهی ۷۰۵
- حکایت ۹۷۹ دوست واقعی ۷۰۶
- حکایت ۹۸۰ جوان یهودی ۷۰۶
- حکایت ۹۸۱ معالجه‌ی سه بیماری خطرناک ۷۰۶
- حکایت ۹۸۲ ظروف زرتین ۷۰۷
- حکایت ۹۸۳ وقف علوی ۷۰۷
- حکایت ۹۸۴ عباى مبارک ۷۰۸
- حکایت ۹۸۵ کانون فضیلت ۷۰۸
- حکایت ۹۸۶ شب مردان خدا! ۷۰۹
- حکایت ۹۸۷ بانوی ایرانی شجاع ۷۱۰
- حکایت ۹۸۸ عذر زیبا! ۷۱۰
- حکایت ۹۸۹ مادر عالم پرور ۷۱۱
- حکایت ۹۹۰ وظایف زنان ۷۱۲
- حکایت ۹۹۱ چو قرآن بخوانند دیگر خموش ۷۱۳
- حکایت ۹۹۲ جوان بلهوس ۷۱۳
- حکایت ۹۹۳ پادشاه واقع بین ۷۱۴
- حکایت ۹۹۴ خدایا! کجش کن! ۷۱۵
- حکایت ۹۹۵ سلطان و کوزه‌گر ۷۱۶
- حکایت ۹۹۶ خشت‌های طلا و نقره ۷۱۸
- حکایت ۹۹۷ روز نیازمندی ۷۱۸
- حکایت ۹۹۸ سخت‌ترین عنصر ۷۱۸
- حکایت ۹۹۹ نقد و نسیه ۷۱۸
- حکایت ۱۰۰۰ همکاری با کارگران ۷۱۹
- حکایت ۱۰۰۱ انتقام ۷۱۹
- فهرست اعلام ۷۲۰
- کتابنامه ۷۴۶

﴿ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ﴾^۱

اقوام روزگار به اخلاق زنده‌اند قومی که گشت فاقد اخلاق، مُردنی است
رسول خدا ﷺ فرمودند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»^۲
من برای کامل کردن فضائل اخلاقی [از سوی خدا] مبعوث شده‌ام.

بعثت پیامبر اعظم ﷺ بی هیچ مبالغه و اغراقی بعثت اخلاق است. اخلاق در همه‌ی دوران‌ها به خصوص دوره‌ی جاهلیت حلقه‌ی گمشده‌ی انسان‌های سرگشته و بعضاً ناآگاه بوده و هست. حضرت محمد ﷺ آن روح بزرگ و جان بزرگوار در گفتار و رفتار از اخلاق پاک و انسانی دم زد تا به انسان بیاموزد که اگر این تن خاکی و بی‌ارزش به اخلاق نیکو آراسته نباشد، به پیشیزی هم نمی‌آزرد.

اکنون پس از گذشت هزار و چهار صد و اندی سال از بعثت آن پیامبر رحمت و عطاوت، باز هم اصلی‌ترین دغدغه و نیاز دوران معاصر، اخلاق است و بس. بشر بد اخلاق و خودخواه و متکبر اگر تمام کائنات را هم فتح کند و در دورترین کهکشان‌ها هم خانه بسازد تا اخلاق نداشته باشد هیچ ندارد. پس آنچه محمد ﷺ را سرآمد همه‌ی بشریت کرده، اخلاقی است که او مروج آن است.

وَ أَحْسَنُ مِنْكَ لَمْ تَرَ قَطُّ عَيْنِي
خُلِّفْتُ مُبِرَّاً مِنْ كُلِّ عَيْبٍ
وَ أَجْمَلُ مِنْكَ لَمْ تَلِدِ الْنِسَاءُ
كَأَنَّكَ قَدْ خُلِّفْتَ كَمَا تَشَاءُ

امروز و در آشفته بازار تکنولوژی، آنچه به داد انسان خواهد رسید، اخلاق است. انسان فطرتاً تشنه‌ی پاکی و نیکویی است و باید بداند که از دروغ، حسد، فریب، شهوت و شهرت‌طلبی راهی به دهی نمی‌توان برد.

بزرگان دین فرموده‌اند: شما نمی‌توانید با مال‌های خود مردم را به سوی خود جذب کنید، پس با اخلاق آنها را به خود علاقه‌مند سازید. خود آنها نیز چنین بودند؛ چرا که آن مردم متعصب و تندخو را مجذوب و فدایی خویش ساخته بودند. وقتی زید بن حارثه قبل از اسلام در جنگی اسیر شده بود، رسول خدا ﷺ فرمودند: اختیار را به خود زید واگذار می‌کنیم، اگر خواست با شما بیاید، من چیزی نمی‌خواهم، او را رایگان ببرید؛ وگرنه همین جا بماند. هنگامی که جریان را به زید بن حارثه گفتند، از آن جا که اخلاق نیک پیامبر اکرم ﷺ سخت در او اثر کرده بود، از آزادی و رفتن نزد خویشانش صرف نظر کرد و حاضر شد به عنوان برده، همچنان خدمتگزار پیامبر بزرگوار باشد.^۳

امیر مؤمنان علی رضی الله عنه فرمودند: «بدانید کمال دین، طلب علم و عمل است و طلب علم، واجب‌تر از طلب مال است؛ زیرا مال برای شما قسمت شده؛ اما علم خزینه‌ای است نزد اهلش و من شما را به طلب علم از

۱. شمس / ۹ - ۱۰.

۲. مکارم الاخلاق / ۸، بحار الأنوار / ۱۶ / ۲۱۰، ج ۶۸ / ۳۸۲.

۳. منتهی الامال / ۱ / ۹۰.

اهلش امر می‌کنم.» همچنین در روایت دیگری معلوم نموده‌اند که کدام علم، نافع و سودمند است: «إِنَّمَا أَلْعَلُّمُ ثَلَاثَةٌ: آيَةُ مُحَكَّمَةٌ^۱ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ^۲ وَ سَنَةٌ قَائِمَةٌ^۳ وَ مَا خَلَاهُنَّ فَضْلٌ.»^۴

پس از آن که کتاب «هزار و یک حکایت قرآنی» با استقبال مردم فهیم و قرآن دوست کشورمان به ویژه اساتید قرآن رو به رو شد، در صدد برآمدن کتاب دیگری با عنوان «هزار و یک حکایت اخلاقی» تألیف کنم؛ زیرا یکی از مسائل مهم قرن حاضر، مسئله‌ی بحران اخلاقی حاکم بر جوامع است که جوامع مسلمان نیز از آن، در امان نیستند. مسائل اخلاقی (اعم از فضائل و ردائیل) پیشینه‌ای به گستره‌ی تاریخ بشر دارند. از هنگامی که انسان به وجود آمد، همواره این فضائل و ردائیل با او همراه بودند. فضائل و ردائیل اخلاقی چیزی نیست که از بشر جدا شود؛ به عبارت دیگر، بشر چند هزار سال قبل با بشر آینده از لحاظ داشتن صفتی چون حسد مشترک‌اند؛ از این رو مسائل اخلاقی هیچ گاه بوی کهنگی به خود نمی‌گیرند و در هر عصر و زمان، تر و تازه و مورد ابتلا هستند.

مسئله‌ی «نتیجه‌ی اخلاقی» یکی از مسائل مهم در حکایات و داستان‌های اخلاقی است. همیشه روش نویسندگان در نوشتن نتیجه‌ی اخلاقی پس از ذکر داستان و حکایت، متفاوت است. برخی به دلایلی مثل نصیحت مستقیم دانستن نتیجه‌ی اخلاقی، از ذکر آن، خودداری می‌کنند؛ ولی برخی دیگر به دلایل خاصی، آن را ذکر می‌کنند. به عنوان نمونه، سدید الدین محمد عوفی در جوامع الحکایات و لوامع الروایات^۵ در اکثر مواقع از آوردن نتیجه‌ی اخلاقی خودداری می‌کند. به عقیده‌ی وی نتیجه‌گیری از حکایت به عهده‌ی خواننده است؛ اما گاهی در پایان برخی از حکایات، خود را از آوردن نتیجه‌ی که با یادآوری صریح همراه است، ناگزیر می‌بیند؛ به عنوان مثال در پایان داستان سیاوش و کشته شدن وی به دست گرسیوز و کیفر یافتن سودابه می‌نویسد: «و این حکایت، مر عقالاً تنبیه (آگاهی) است تا در عقود و عهود، طریق وفا سپرند و اگر از راه وفا دور شوند، به وبال^۶ آن، مأخوذ گردند.»^۷ یا در پایان حکایت «زن بدنهاد» می‌نویسد: «و این حکایت، تنبیه

۱. اشاره است به اصول عقائد سه‌گانه: الف - علم توحید با صفات ثبوتیه پروردگار که عدل یکی از صفات او است. ب - اعتقاد به رسالت جمیع انبیا و اوصیای آنها و گواهی به کتب نازل از جانب پروردگار تعالی و تصدیق به وجود ملائکه. ج - علم نظری به معرفت معاد که این علوم را در مجموع، فقه اکبر می‌نامند.

۲. فریضه‌ی عادلانه: در حقیقت تحلی به فضائل و تخلی از ردائیل اخلاقی است؛ زیرا «عادل» کتابه از حد وسط میان افراط و تفریط است.

۳. سنه‌ی قائمه: به احکام دین و مسائل حلال و حرام اشاره دارد که احکام خمس را شامل می‌شود (احکام خمس عبارت‌اند از: واجب، مستحب، مباح، مکروه و حرام). ۴. ملا محسن فیض کاشانی، شافی.

۵. یعنی: داستان‌های جامع و روایت‌های درخشان. جوامع الحکایات بزرگ‌ترین اثر داستانی قرن هفتم هجری تألیف محمد بن محمد عوفی ملقب به سدید الدین (حدود ۵۶۷ - ۶۳۰) است. وی متولد بخارا است و غالب شهرهای ماوراء النهر، خراسان و هندوستان را به قدم سیاحت پیمود. او به خدمت نظام الملک جُنید رسید و جوامع الحکایات را به نام این وزیر تألیف کرد. جوامع الحکایات مشتمل بر بیشتر معارف اسلامی و فرهنگ ایرانی و سندی از تاریخ تمدن و ادبیات و علوم جهان اسلامی است. نکته‌های اخلاقی، اجتماعی، دینی و تاریخی در آن، فراوان است. داستان‌هایی دارد که سخت‌ترین دل‌ها را نرم می‌کند. در طی داستان‌ها از رفتار اجتماعی و تعدی و تجاوز پادشاهان و امیران و حاکمان و بعضی از مدعیان شریعت و طریقت انتقاد شده است. این کتاب که یکی از متن‌های معتبر فارسی است، شامل یک دوره تاریخ از آغاز آفرینش تا پایان دوره‌ی خلفای عباسی (۶۴۰ هـ ق) است که تاریخ ایران و اسلام را نیز در برمی‌گیرد.

۶. وبال، اصطلاحی قرآنی است. این کلمه سه بار در قرآن مجید به کار رفته: ۱. لِيَذُقَ وَبَالَ أَمْرِهِ (مائده / ۹۵). ۲. ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ (حشر / ۱۵). ۳. فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا (طلاق / ۹). در محاورات اکثراً آن را با واژه‌ی وِزَر شنیده‌اید (می‌گویند: وِزَر و وبال).

است عاقلان را تا از مصاحبت (همنشینی) ناهلان احتراز نمایند.^۱ یا در پایان حکایت مور [قانع] و زنبور [حریص] می‌نویسد: «اگر عاقل یک نظر در این سخن تأمل کند، از مواعظ جمله واعظان مستغنی (بی‌نیاز) گردد!»^۲ و در جایی دیگر می‌نویسد: «فایده‌ی این حکایت آن است که هر کس خواهد که نامحرمان در حرم او خیانت نکنند، گو نظر از حرم مسلمانان گسسته دار که حق تعالی به برکت عفت تو، اهل حرم تو را در پرده‌ی عفت نگاه دارد.»^۳

در قرآن مجید نیز مواردی وجود دارد که پس از ذکر داستان، نتیجه‌ی اخلاقی آن صریحاً ذکر شده است؛ مثلاً در داستان حضرت یوسف علیه السلام، آن حضرت در پاسخ برادرانش که از او پرسیدند «آیا تو یوسفی؟» می‌فرماید: «أَنَا يُوسُفُ وَ هَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَن يَتَّقِ وَ يَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»^۴؛ [آری!] من یوسفم و این برادر من است. خداوند بر ما منت نهاد؛ هر کس تقوا پیشه کند و شکیبایی و استقامت نماید [سرانجام پیروز می‌شود]؛ چرا که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند. همان گونه که ملاحظه می‌کنید، حضرت یوسف، رهایی خود از مشکلات گوناگون را مرهون پرهیزکاری و شکیبایی می‌داند. به عبارت دیگر اگر بخواهیم داستان سوره‌ی مبارکه‌ی یوسف را در دو کلمه خلاصه کنیم، آن دو کلمه، پرهیزکاری و شکیبایی است. پس نتیجه‌ی اخلاقی داستان سوره‌ی مبارکه‌ی یوسف، پرهیزکاری و شکیبایی است که صریحاً در پایان داستان ذکر شده است.

در پایان، توجه خوانندگان گرامی را به چند نکته جلب می‌نماییم:

۱. قصه‌ها و حکایت‌هایی را که در متن قرآن کریم وجود داشته و قصه‌های قرآن نامیده می‌شوند در این مجموعه وارد نساخته‌ایم؛ زیرا برآنیم که حکایات و قصه‌های قرآن شایسته است به گونه‌ی مستقل، چاپ و منتشر شود تا شأن و حرمت آن، محفوظ بماند. افزون بر این، قصه‌های قرآن، واقعی و حقیقی است؛ ولی دیگر حکایت‌ها - همان گونه که از واژه‌ی حکایت استفاده می‌شود - شاید صد در صد واقعی نباشند؛ زیرا در برخی موارد، نویسندگان و دانشمندان، یک رشته مطالب اخلاقی و حکمی و پند و اندرزها را در قالب داستان ریخته و جامه‌ی حکایت بر آن می‌پوشانند تا از ابتذال و تلخی پند و نصیحت بکاهند و به قول شیخ اجل سعدی: «داروی تلخ نصیحت، به شهید ظرافت برآمیزند و چراغی تابان از معنی و حقیقت، فراراه مردمان بدارند.»^۴ این نویسندگان در این روش مسلماً کامیاب گشته و در نتیجه آثاری ارزنده در ادب پارسی و تازی و... بر جای گذاشته‌اند. کتاب «کلیله و دمنه» نمونه‌ی بارزی است از آنچه گفته شد.^۵

۷. بخش تاریخی جوامع الحکایات (از انتشارات دانشسرای عالی، تهران) / ۵۸

۲. جوامع الحکایات / ۲۸۲

۱. جوامع الحکایات / ۳۴۴

۳. یوسف / ۹۰

۴. گویند: شخصی از عارف بزرگ میرزا محمد رضا قمش‌ای پرسید: «این حرف‌هایی را که عرفا می‌زنند، بافتند یا یافتند؟» ایشان در جواب فرمود: «اگر یافتند، خوب یافتند و اگر بافتند، خوب یافتند!» زک: هزار و یک نکته (آیت الله حسن‌زاده آملی) / ۶۲۱. نکته‌ی ۷۷۶: به نقل از: مرحوم آیت الله شیخ محمد تقی آملی.

۵. جناب مولوی می‌گوید:

معنی اندر وی بسان دانه است
ننگرد پیمانہ را گر گشت نقل

ای برادر، قصه چون پیمانہ است
دانه‌ی معنی بگیرد مرد عقل

۲. همان گونه که پزشک برای تأمین سلامتی بیماران دو نوع دستور دارد (مثبت و منفی)؛ یعنی به بیمار می‌گوید: این دارو را مصرف کن و فلان غذا را میل کن (دستورات مثبت) و از فلان غذا و فلان کار پرهیز کن (دستورات منفی)، ما نیز در این کتاب دستورات مثبت و منفی را کنار هم بیان کرده‌ایم؛ به تعبیر دیگر، فضائل اخلاقی را در کنار ردائیل اخلاقی آورده‌ایم؛ به عنوان مثال وقتی حکایت‌هایی را در باره‌ی خوش بینی و حسن ظن نقل کردیم، حکایت‌هایی را نیز در باره‌ی بدبینی و سوء ظن نقل می‌کنیم تا به مصداق گفته‌ی حکیمانه‌ی لقمان حکیم که گفت: «ادب را از بی‌ادبان آموختم»، عمل کرده باشیم.^۱

۳. برای اثربخشی مواعظ و حکمت‌ها به چند عامل نیاز است؛ یکی از عوامل مهم این است که خود شخص بخواهد از مواعظ پند بگیرد و به اصطلاح، واعظ درونی داشته باشد.^۲ امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاِعْظًا فَإِنَّ مَوَاعِظَ النَّاسِ لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُ شَيْئاً»؛ کسی که از درون خود، واعظ و پند دهنده‌ای برای خود قرار نداده است، پندهای مردم او را بی‌نیاز نمی‌کند.^۳ قرآن مجید می‌فرماید: ﴿وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ﴾^۴؛ این آیات و انذارها به حال کسانی که [به خاطر لجاجت] ایمان نمی‌آورند، مفید نخواهد نبود.

۴. از کتاب سودمند «پند تاریخ» نوشته‌ی حجت الاسلام و المسلمین موسی خسروی بهره‌ی فراوان برده‌ایم.

۵. از نتیجه‌ی اخلاقی گرفتن در پایان حکایت‌ها خودداری کرده‌ایم مگر در مواردی که مطلب نقل شده، خود دارای نتیجه‌ی اخلاقی باشد که آن را عیناً نقل کرده‌ایم.

۶. محصول کار بشر عادی و غیر معصوم، از اشتباه و نقص خالی نیست؛^۵ از این رو از خوانندگان محترم می‌خواهم که اگر به اشتباهی برخوردند بر این بنده منت نهند و از تذکر و ارشاد دریغ نورزند که با سپاس فراوان پذیرفته خواهد شد.

که هستی را نمی‌بینم بقایی
کند در حق درویشان، دعایی

غرض، نقشی است کز ما باز ماند
مگر صاحبلی روزی ز رحمت

قم، شهریور ۱۳۸۶

محمد حسین محمدی

۱. ناگفته نماند که گفته‌ی لقمان حکیم، در جای خود درست است؛ ولی ما نباید ادب را همواره از بی‌ادبان بیاموزیم؛ بلکه باید سعی کنیم از باادبان به ویژه مؤدبان به آداب الهی نیز بیاموزیم.
۲. به قول حافظ:

جنگ در برده همین می‌دهد پند ولی
وعظ آن گه گندت سود که قابل باشی

۴. بوئس / ۱۰۱.

۳. بحار الانوار / ۷۸ / ۱۷۳، باب ۲۲، روایت ۱۵.

۵. به قول عماد اصفهانی: «إِنِّي رَأَيْتُ أَنَّهُ لَا يَكْتُمُ إِنْسَانٌ كِتَابًا فِي يَوْمِهِ إِلَّا قَالَ فِي غَدِهِ: لَوْ عَرَّفْتُ هَذَا لَكَانَ أَحْسَنَ وَ لَوْ زِيدَ كَذَا لَكَانَ يَسْتَحْسِنُ وَ لَوْ قُدِمَ هَذَا لَكَانَ أَفْضَلَ وَ لَوْ تَرَكْتُ هَذَا لَكَانَ أَجْمَلَ وَ هَذَا مِنْ أَعْظَمِ الْعَيْبِ وَ هُوَ دَلِيلٌ عَلَى اسْتِغْلَاءِ النَّفْسِ عَلَى جُمْلَةِ الْبَشَرِ. سیمای فرزنانگان / ۲۷؛ به نقل از: معجم الادباء.